

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال سوم، شماره‌ی نهم، ۱۳۹۰، صص ۱-۲۳

بحران نان در قزوین بعد از شهریور ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۳

محسن بهشتی سرشت،* محمدمحمدپور،** غلامرضا یوسفی رامندی***

چکیده

با سقوط رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰، مشکل اصلی برخی از شهرهای ایران، کمبود غله بود که حضور و اشغال کشور توسط متفقین و احتکار گندم توسط محتکرین را از عوامل اصلی آن می‌توان برشمرد. قزوین نیز بنا به دلایل یاد شده دچار بحران نان شده بود. مسئله‌ی اصلی پژوهش حاضر، بررسی توصیفی - تحلیلی فرآیند بحران نان در این شهر است، با توجه به اوج بحران نان در این شهر در سال ۱۳۲۱، مردم به شدت در مضیقه قرار گرفته و بروز چنین وضعی، تبعات منفی در سطح شهر به بار آورده بود. دولت برای کنترل بحران، به عرضه‌ی نان‌های کوبنی پرداخت، که به علت اضافه کردن برخی مواد غیر خوراکی به خمیر آن، از سوی نانوایان، کیفیت خوبی نداشت. راهکارهای دیگری برای کنترل بحران در سطح کشور در سال‌های ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳، به اجرا درآمد. واردات گندم از خارج، برنامه‌هایی برای افزایش محصول گندم و اصلاح بذر، انتشار آئین‌نامه‌های غله و نان برای جلوگیری از احتکار گندم، از جمله‌ی آنهاست که با اجرای آنها دولت توانست بحران را کنترل کند. در این میان، شکایات متعدد مردم از کمبود و گرانی نان و تلاش‌های مسئولین برای کنترل بحران، نقش مهمی در تسریع مهار بحران داشت. گزارش‌ها حاکی از تنزل قیمت نان از اواسط، ۱۳۲۲ در قزوین است. واژه‌های کلیدی: قزوین، نان، بحران، متفقین.

* استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین (mbehstiseresht@yahoo.com)

** کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین (rahmand10@ymail.com)

*** کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه خوارزمی (yousefi_1365@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۴/۲۶ - تاریخ تأیید: ۹۱/۰۷/۲۵

مقدمه

در پی حمله‌ی متفقین در شهریور ۱۳۲۰، و فروپاشی حکومت رضاشاه، کمبود غله یکی از دشواری‌های اصلی ایران بود و شماری از شهرهای ایران به ویژه در شمال و غرب به خاطر کمبود غله با ناآرامی و غارت روبرو شدند. قزوین یکی از این شهرها بود که به عنوان بررسی موردی این مقاله انتخاب شده است. مسئله این پژوهش بر اساس بحران نان در این شهر و راه کار دولت برای رفع آن طرح شده است. این پژوهش در صدد است تا با پاسخ به سؤال‌هایی چون علل، علائم و راهکارهای حل بحران نان در قزوین، این مسئله را در این شهر بر پایه‌ی منابع موجود و با رویکرد توصیفی - تحلیلی، بعد از شهریور ۱۳۲۰ مورد بررسی قرار دهد.

آغاز بحران نان در ایران

دولت ایران برای تأمین آذوقه و خواربار شهرها با معضل جدی مواجه، و دیری نپایید که کمبود غله به بحران عمومی تبدیل شد.^۱ یکی از علت‌های اصلی این معضل اشغال ایران توسط ارتش‌های بیگانه و حضور گسترده‌ی نیروهای متفقین در ایران بود. مسبب اصلی کمبود ارزاق عمومی و صعود سرسام‌آور بهای کالاهای مصرفی از جمله نان، آن‌ها بودند. یکی از شاهدین متذکر شده است، متفقین علاوه بر این‌که، خود مصرف‌کننده‌ی اصلی خواربار از جمله نان به شمار می‌آمدند محصول غله‌ی ایران را نیز به خارج صادر می‌کردند.^۲ ارتش شوروی نسبت به سایر نیروهای متفقین سهم بسزایی در تداوم بحران نان داشتند، زیرا آن‌ها مانع از حمل غله از مناطق ذی نفوذ خود به نواحی قحطی‌زده می‌شدند.^۳ از سوی دیگر، علاوه بر حضور نیروهای متفقین در ایران، عواملی نظیر: قطع ارتباط منظم بین شهرها و روستاها^۴ و احتکار گندم توسط برخی از مالکان^۵ به بحران ایجاد شده دامن می‌زد. در این میان به علت فقدان دستگاه نظارتی فعال، برخی از نانوایان سودجو قیمت

۱. حمید شوکت، (۱۳۸۶)، در تیررس حادثه زندگی سیاسی قوام‌السلطنه، تهران: اختران، ص ۱۸۲.

۲. حسین مکی، (۱۳۷۴)، تاریخ بیست ساله‌ی ایران، ج ۸، تهران: علمی و فرهنگی، ص ۲۶۷.

۳. غلامرضا نجاتی، (۱۳۷۸)، مصدق سال‌های مبارزه و مقاومت، ج ۱، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ص ۵۹۰.

۴. جمعی از نویسندگان، (۱۳۷۱)، گذشته چراغ راه آینده است، تهران: نیلوفر، ص ۱۶۲.

۵. تاریخ بیست ساله‌ی ایران، ج ۸، ص ۳۲۳.

بحران نان در قزوین بعد از شهریور ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۳ ۳

نان را بیشتر از قیمت مشخص شده به فروش می‌رساندند، این مسئله باعث شده بود علاوه بر تعطیلی برخی از نانوائی‌ها، در تجمعاتی که در برابر نانوائی‌ها برای تهیه‌ی نان تشکیل می‌شد، نزاع‌هایی بین نانویان و مردم به وجود می‌آید. روزنامه‌ی نسیم شمال ضمن اشاره به درگیری‌های بین مردم و نانویان، دکان‌های نانوائی را به علت شلوغی بیش از حد آن‌ها، با رویکرد طنزآمیز، به شهر فرنگ تشبیه کرده بود.^۱ روزنامه‌ی اطلاعات نیز با گزارش مشابهی در هشتم آذر ۱۳۲۰، می‌نویسد: «در روز چهارشنبه ۲۸ آبان در دکان یکی از نانوائی‌ها در تجریش، نزاعی بین محمدنقی نانگیر و محمد نام تجریشی به وجود آمده است که منجر به فوت محمد نام تجریشی شده است. از قرار معلوم، تاکنون در تجریش دو باب دکان سنگگی دائر بوده و اکنون منحصر به همین دکان می‌باشد و برای گرفتن نان در دکان مزبور ازدحام زیادی می‌شود».^۲

قزوین نیز از این بحران مستثنی نبود، ازدحام جمعیت به شکل صف‌های طولانی در مقابل نانوائی‌ها^۳ و نیز شکایات مردم قزوین از فرمانداری کل برای رسیدگی به مشکل نان در این شهر مؤید این مطلب است.

عوامل پیدایش بحران نان در قزوین

الف - حضور نیروهای متفقین

حضور و فعالیت نیروهای متفقین در ایران پیامدهای منفی به دنبال داشت که یکی از مهمترین آن‌ها، کمبود غله در کشور بود؛ زیرا متفقین با تغذیه‌ی خود از محل خواربار کشور مصرف مواد غذایی را بالا برده و این مسئله باعث کمبود خواربار از جمله، نان شده بود. برخی از آنها ادعا می‌کردند در تأمین خواربار خود مستقل هستند، چنانچه نخست وزیر انگلستان در واکنش به نقش نیروهای متفقین در کمبود نان در کشور، با مستقل دانستن خود در تأمین مایحتاج ایشان، علت اصلی بحران نان را به گردن محتکرین انداخته بود.^۴ در این باره، باید گفت هر چند نقش محتکرین در بحران نان بی‌تأثیر نبوده است، اما

۱. نسیم شمال، شماره‌ی ۲۶، ۱۳۲۱/۸/۲.

۲. اطلاعات، ش ۴۷۲۲، ۱۳۲۰/۹/۸.

۳. اطلاعات، ش ۴۹۸، ۱۳۲۱/۶/۷.

۴. سعادت بشر، ش ۱۳۲۱/۶/۹۶، ۸.

گزارش شاهدان عینی، مستقل بودن متفقین در تأمین ارزاق عمومی را زیر سؤال می‌برند، یکی از شاهدان، نیروهای متفقین را در بروز قحطی، کمبود و گرانی نان در شهرهای ایران از جمله قزوین مقصر می‌داند. او گزارش می‌کند: «این که آنها می‌گفتند در تأمین مایحتاج خودشان استقلال دارند گفته‌ی صحیحی نیست در حقیقت سربار آذوقه‌ی ایران شده بودند».^۱ متفقین علاوه بر تغذیه از خواربار کشور، مقداری از آن را نیز از کشور خارج می‌کردند. بر پایه‌ی گزارش ذکر شده، نشریات در مدت زمان حضور متفقین در ایران، می‌نوشتند: «آن‌ها با رادیو گندم وارد می‌کنند و با کامیون خارج می‌نمایند».^۲ یعنی در رسانه‌های خود از واردات گندم به ایران خبر می‌دادند اما در عمل عکس آن اتفاق می‌افتاد. روزنامه‌ی ایران در این زمینه، با تیتر «فروش گندم به ترکیه» در ۱۵ آبان ۱۳۲۱، می‌نویسد: «اخیراً متفقین مقدار ۲۰۰ هزار تن گندم به ترکیه فروخته‌اند که باعث ناراحتی مردم شده است».^۳ این نوع رفتار متفقین که منجر به ضربه زدن به اقتصاد ایران می‌شد برخلاف تفاهم‌نامه‌ی هفت ماده‌ای بود، که در ۳۰/۹/۱۳۲۰ با ایران منعقد کردند، و در بند هفتم آن، تعهد کرده بودند استقلال حیات اقتصادی ایران را محترم بشمارند. از این‌رو، اعمال متناقض آن‌ها، اعتراض‌هایی را در مجلس برانگیخت. دکتر مصدق در نطق خود در ۱۳۲۳/۵/۱۸ با اشاره به وضعیت وخیم اقتصادی کشور، نیروهای متفقین را به دلیل نادیده گرفتن استقلال اقتصادی کشور، مورد انتقاد قرار می‌دهد.^۴

نیروهای شوروی در این میان، نقش زیادی در کمبود غله و بحران نان داشتند، زیرا آنها بر مناطق غله‌خیز استان‌های شمالی کشور، از آذربایجان شرقی و غربی گرفته تا زنجان و قزوین مسلط بودند و اجازه نمی‌دادند محصولات غله‌ی این استان‌ها به نواحی دیگر فرستاده شود. آن‌ها با رفتار زورمدارانه که دائماً بر منش آنها حکمرانی می‌کرد،^۵ در اوج

۱. تاریخ بیست ساله‌ی ایران، ج ۸، ص ۳۲۳.

۲. همان، ص ۲۶۷.

۳. ایران، ش ۷۰۳۵، ۱۳۲۱/۸/۱۵.

۴. اطلاعات، ش ۵۴۹۰، ۱۳۲۳/۵/۱۸.

۵. نورالدین کیانوری، (۱۳۷۲)، *خاطرات*، تهران: دیدگاه، صص ۸۸-۸۹؛ طرف مصاحبه‌کننده با کیانوری این مطلب را از وی سؤال کرده و کیانوری هم در جواب با اکره قبول کرده است که آنها در مواقعی در برخورد با مردم زور به خرج می‌دادند.

بحران نان در قزوین بعد از شهریور ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۳ ۵

کمبود غلات در ایران یعنی در ۱۳۲۱، دولت ایران را متعهد کردند سالیانه ۷۰۰۰ تن گندم و ۱۵۰۰۰ تن جو و ۳۰۰۰۰ تن برنج به دولت شوروی تحویل دهد،^۱ زیرا علاوه بر آن که خود مصرف‌کننده‌ی محصول غله بودند، مقدار زیادی از آن را نیز به کمک نیروهای انگلیسی و آمریکایی به نیروهای جبهه‌ی روسیه که در خاک این کشور با آلمان‌ها می‌جنگیدند ارسال می‌کردند تا آلمان‌ها را به زانو در آورند؛ خاطره‌نویس و شاهد حوادث آن روز در خاطرات خود به این مسئله اذعان کرده است؛^۲ بنابراین به علت حضور پررنگ نیروهای شوروی در شهر قزوین،^۳ محصول غله‌ی این شهر نیز از دستبرد در امان نبود. در این زمینه، روزنامه‌ی اطلاعات طبق گزارشی در ۱۳۲۱/۶/۱۱ از ناراضایتی مردم قزوین از صدور بی‌رویه‌ی گندم به خارج خبر می‌دهد که یکی از علت‌های اصلی کمبود غله و بحران نان در این شهر بود.^۴ علاوه بر حضور متفقین، حضور ده هزار پناهنده‌ی لهستانی در ایران، که عمدتاً مصرف‌کننده بودند تأثیر زیادی بر بحران نان گذاشته بود.^۵ از آنجا که بخشی از این پناهندگان در قزوین ساکن بودند،^۶ به طور طبیعی در بالا بردن مصرف نان، کمبود و گرانی آن در این شهر تأثیر داشتند.

ب - احتکار گندم

با آغاز جنگ جهانی دوم و ورود متفقین به ایران، علاوه بر آن که کمبود غله و نان در سراسر کشور ایجاد شده بود، شرایطی نیز برای فعالیت محتکران گندم و خواربار به وجود آمده بود، که این مسئله دلیل دیگری برای کمبود گندم و نان در سطح کشور به شمار می‌رفت. پیش زمینه‌ی احتکار گندم به دوران رضاشاه بر می‌گشت، چون با شروع جنگ جهانی دوم و نیاز طرف‌های درگیر در جنگ به خواربار و گندم، بازرگانان و مالکان محتکر ایرانی از فرصت استفاده کرده و مقدار زیادی از گندم‌های ذخیره‌شده‌ی خود را برای دستیابی به سود بیشتر برای آنها ارسال کردند. یکی از خاطره‌نویس‌ها در این‌باره

۱. ایرج ذوقی، (۱۳۶۸)، *ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم*، تهران: پاژنگ، ص ۱۳۵.

۲. سعیدی فیروزآبادی، (۱۳۸۳)، *خاطرات*، به کوشش محمدحسن میرحسینی، یزد: دانشگاه یزد، ص ۱۳.

۳. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ردیف ۲۴۰۰۰۰۹۹۳، محل در آرشیو ۳۰۳ ب ۱۱۱۲۰.

۴. اطلاعات، ش ۵۰۳، ۱۳۲۱/۶/۱۱.

۵. ایران، ش ۷۰۳۴، ۱۳۲۱/۸/۱۴.

۶. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ردیف ۲۹۱۰۰۱۷۷۲، محل در آرشیو ۶۰۸ ظ ۱ آ ج ۱.

می‌نویسد: «با شروع جنگ جهانی دوم مالکان و مؤسسات بازرگانی بدون حساب و کتاب و بدون در نظر گرفتن نیازمندی‌های داخلی کشور مقدار زیادی از گندم و خواربار را به طرف‌های درگیر در جنگ به خصوص آلمان ارسال کردند. چون موقع جنگ بود و فروش گندم برای بازرگانان خیلی صرف می‌کرد. این عمل باعث کمبود شدید غله در کشور شد به طوری که دولت مجبور شد مقدار پنجاه هزار تن گندم از هندوستان وارد کشور نماید»^۱. کمبود غله در کشور، رضاشاه را نیز عصبانی کرد؛ در این مورد یکی از خاطره‌نویس‌ها می‌نویسد: «وقتی رضاشاه فهمید که یک کشتی آرد و گندم از هندوستان برای ایران آمده است گفت، خجالت دارد. کشوری که صادرکننده‌ی گندم و غلات است حالا یک کشتی آرد و گندم وارد می‌کند»^۲.

با وجود چنین پیش زمینه‌ای برای محترکان، با ورود نیروهای متفقین به ایران انگیزه‌ی چشمگیری نسبت به قبل، برای احتکار مواد غذایی از جمله گندم به وجود آمد که عبارت بود از فروش آن به کشورهای درگیر جنگ و نیروهای خارجی و به دست آوردن سودهای کلان. در این دوره، بازرگانان و مالکان محترک همانطور که در سایر شهرها به فعالیت می‌پرداختند در شهر قزوین نیز فعال بودند و اهالی از دست آنها شکایت داشتند؛ چنانچه روزنامه‌ی اطلاعات در دوشنبه ۱۳۲۰/۹/۱۰ با اشاره به فعالیت محترکان در قزوین می‌نویسد: «چون عده‌ای از بازرگانان همه روزه گندم مورد احتیاج اهالی این شهرستان را از مالکان خریداری و به خارج حمل می‌کنند عده‌ی کثیری از اهالی، عریضه به آقای فرماندار تقدیم و درخواست نمودند قبل از این که اهالی این شهرستان دچار مضیقه و فشار بشوند قبلاً احتیاجات اهالی را از هر جهت تأمین و بعد مازاد گندم و یا خواربار را اجازه بدهند به خارج حمل شود. آقای فرماندار علاوه بر این که از محترکین دعوت کردند که با آنها مذاکره نمایند، تلگرافی نیز از طرف انجمن شهرداری به جناب آقای نخست وزیر و وزارت کشور مخابره و درخواست نمودند که اجازه بدهند قبلاً با حضور کمیسیون صلاحیت‌دار احتیاجات اهالی تأمین شود و آنچه مازاد داشت اجازه حمل به خارج را بدهند»^۳. به نظر می‌رسد با حمایت نیروهای خارجی مستقر در ایران از فروش گندم به

۱. عبدالحسین مسعود انصاری، (۱۳۷۴)، *خاطرات سیاسی و اجتماعی، تهران: علمی*، ص ۴۷۵.

۲. *خاطرات (فیروزآبادی)*، ص ۴۳.

۳. اطلاعات، ش ۴۷۲۴، ۱۳۲۰/۹/۱۰.

بحران نان در قزوین بعد از شهریور ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۳ ۷

کشورهای متبوع خودشان، کوشش‌های جدی از سوی مسئولان برای مهار محترکان به عمل نیامد؛ چون همان‌طوری که اهالی پیش‌بینی کرده بودند، مردم قزوین یک سال بعد از نوشتن این عریضه به فرمانداری، در ۱۳۲۱ با کمبود شدید گندم از بحران نان رنج می‌بردند. چنانچه با انتصاب فرماندار جدید در دوم مرداد ۱۳۲۱، یکی از مهم‌ترین خواسته‌هایی که اهالی قزوین از وی داشتند، مهار گرانی نان و جلوگیری از قاچاق گندم این شهر توسط محترکین به خارج بود.^۱

ج - کمبود بارندگی و کمی آب

علاوه بر تأثیر عوامل یاد شده در ایجاد بحران نان، عامل دیگر، کمی آب و بارندگی در قزوین بود؛ و در سفر وزیر کشور و همراهانش به قزوین در ۱۳۲۰/۸/۲۲، تعدادی از مردم از او درخواست می‌کنند که کمی آب قزوین را با ایجاد یک قنات رفع کند تا مردم دچار مضیقه نشوند. روزنامه‌ی اطلاعات در این باره گزارش می‌کند: «بعد از ظهر امروز آقای وزیر کشور با همراهان به قزوین وارد شدند و با حضور عده‌ای محترمین و طبقات اهالی به فرمانداری آمدند و بعد از بازدید از نمونه‌ی کالاهای کارخانه قزوین، سپس راجع به عطیه‌ی ملوکانه که باید به مصرف بینوایان و امور خیریه برسد، پنج نفر با حضور آقای وزیر کشور برای تشکیل کمیسیون انتخاب شدند، اما عده‌ای از اهالی از آقای وزیر درخواست کردند عطیه‌ی ملوکانه به مصرف ایجاد یک قنات برسد که رفع زحمت اهالی این شهرستان که از حیث کمی بارندگی و کم آبی دچار مضیقه هستند بشود، آقای وزیر قول دادند گزارش را به عرض برسانند اکنون اهالی قزوین منتظرند تا هر چه زودتر این تقاضا مورد قبول واقع شود»^۲ البته دستور وزیر برای ساخت قنات بود، چنانچه اطلاعات در ۱۳۲۰/۶/۸ می‌نویسد: «حواله‌ی یکصد و هفتاد هزار ریال از عطیه‌ی ملوکانه برای ساخت قنات در قزوین اختصاص داده شده تا مردم از کمبود آب نجات یابند»^۳. اما عوامل مؤثر بر کمبود نان قبل از ایجاد و بهره‌برداری قنات، تأثیر خود را گذاشته بود، از ۱۳۲۱ که اوج بحران نان در این شهر بود تا اوایل ۱۳۲۲، هنوز تهیه‌ی نان مرغوب در قزوین با مشکل مواجه بود، که یک علت آن کمی آب بود. بر این مبنای اهالی قزوین در شکواییه‌ای

۱. سیاست، ش ۱۲۸، ۱۳۲۱/۴/۲.

۲. اطلاعات، ش ۴۶۲۱، ۱۳۲۰/۵/۷.

۳. اطلاعات، ش ۴۷۱۵، ۱۳۲۰/۹/۸.

که به سال ۱۳۲۱ به خاطر کمبود گندم و به تبع آن بحران نان به اداره‌ی کشاورزی نوشته بودند، یکی از علت‌های بحران نان این شهر را، نداشتن آب و قحطی ذکر کردند و از اولیای امور درخواست پانصد تن گندم کردند.^۱

د- ارسال گندم قزوین به تهران

یکی دیگر از دلایل شکل‌گیری بحران نان، ارسال مقدار زیادی از گندم این شهر به تهران بود، چنانچه روزنامه‌ی داد در ۱۳۲۴/۸/۲۴ با تیتیر «ورود گندم به تهران» می‌نویسد: «دیشب و امروز مقدار زیادی گندم و آرد از قزوین به وسیله‌ی قطار به ایستگاه تهران برای مصرف اهالی وارد و تحویل سیلوی تهران شد»،^۲ ورود گندم از قزوین به تهران در اوج بحران نان در این شهر، خشم اهالی قزوین را برانگیخت. چنانچه اطلاعات در این باره گزارش می‌کند: «وقتی که دو کامیون از انبار آرد صادقیان، آرد به تهران حمل می‌کردند، عده‌ای از اهالی گرسنه و خشمگین به بارهای آنها حمله و همه را غارت می‌کنند»^۳ همچنین می‌نویسد: «از بیست روز قبل که انبارهای گندم خالی شد و از طرفی موجودی گندم منحصر به جزئی برای نانواها شد هر کدام از نانواها که آردشان تمام می‌شد چون به علت فقدان گندم نمی‌توانستند آرد تهیه نمایند و مقدار آرد داده شده به آنها از طرف فرمانداری کافی نبود تعطیل می‌شدند. به این علت شنبه ۹ شب دو کامیون که حبوبات و مختصری آرد از گاراژ خورشید برای تهران حمل می‌کردند یک مشت اشخاص بیکاره و مفسده‌جو از موقعیت استفاده کرده و کمی نان را بهانه و بارهای دو کامیون را غارت می‌نمایند و از آنجا به سمت کارخانه‌ی آرد صادقیان می‌روند و مختصری آرد جو و گندم می‌برند اما مأمورین به هر نحوی که شده بود از کار آنها جلوگیری می‌کنند».^۴ این گزارش روشن می‌سازد که یکی از دلایل تشدید بحران نان در قزوین، ارسال بخشی از گندم و آرد این شهر به تهران بوده است.

۱. آرشیو کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، سند، شماره ثبت: ۶۶۰۰۵۰، ۱۳۲۱/۷/۱۸.

۲. داد، ش ۲۹، ۱۳۲۱/۸/۲۴.

۳. اطلاعات، ش ۴۹۸۴، ۱۳۲۱/۶/۱۱.

۴. اطلاعات، ش ۴۹۸۴، ۱۳۲۱/۶/۱۱.

زمینه‌های پیدایش بحران نان و عواقب آن

علائم بحران نان در قزوین به‌طور تدریجی با گران شدن گندم و نان تقریباً از تابستان ۱۳۲۱ مشاهده شد. در مردادماه این سال روزنامه‌ی اطلاعات درباره‌ی وضعیت گندم و نان در این شهر می‌نویسد: «به همان نسبت که گندم ترقی می‌نماید نان نیز مرتباً همه هفته ترقی می‌کند. نان لواش را کیلویی ۳ ریال و سنگگ را کیلویی ۳ و ۲ ریال می‌فروشند. مردم امیدوارند بیش از این ترقی نکنند».^۱ اما بر خلاف انتظار مردم و به علت رسیدگی نکردن به این مشکل، بهای نان در ماه‌های بعد به سرعت ترقی کرد، اطلاعات در ۱۳۲۱/۸/۸ می‌نویسد: «به علت کمبود گندم بهای نان هر سه کیلو پانزده ریال و شاید تا بیست ریال هم برسد».^۲ از آنجا که قزوین روزی تقریباً ۷۵ خروار گندم مصرف داشت، در گذشته خود نانوایان از اطراف وارد می‌کردند اما بعد از سخت شدن تهیه‌ی گندم، قرار شد وزارت اقتصاد روزانه ۲۰ خروار گندم، خرواری نهصد و پنجاه ریال به نانوایان بفروشد و به آنان اجازه دهد که کسری آن را از زنجان وارد کنند.^۳ در انجمن شهرداری قزوین، به منظور تأمین خواربار شهر برای رفاه حال شهروندان جلسه‌ای تشکیل و این تصمیم گرفته شد،^۴ اما این عمل در کاهش قیمت گندم و نان تأثیری نداشته، و افزایش قیمت ادامه داشت، تا این که گندم به خرواری یک هزار و سیصد و یک هزار و چهارصد ریال رسیده و نان هم کیلویی پنج ریال و بلکه زیادتر فروخته می‌شد.^۵ به نسبت ترقی قیمت گندم و نان در قزوین، به تعطیلی نانوایی‌های این شهر نیز افزوده می‌شد و تعطیلی نانوایی‌ها تبعات منفی به دنبال داشت. یکی از این تبعات منفی، بروز ناامنی، غارت و هرج مرج در شهر بود. بر این مبنا روزنامه‌های مختلف کشور، اغتشاشات ناشی از کمبود نان را در قزوین منتشر می‌کردند. کیهان در ۱۳۲۱/۶/۷ می‌نویسد: «براساس اخباری که از قزوین رسید بر اثر کمیابی گندم و تعطیلی دکان‌های نانوایی، مردم ازدحام نموده و ساعت ۹ صبح امروز دو کامیون حامل خواربار به کارخانه‌ی آرد صادقیان را یک عده از مردم غارت می‌کنند».^۶ روزنامه‌ی صدای

۱. همان، ش ۴۹۵۴، ۱۳۲۱/۵/۹.

۲. همان، ش ۵۰۲۸، ۱۳۲۱/۸/۸.

۳. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ردیف ۲۴۰۰۱۰۹۱۷، محل در آرشیو ۴۰۵ ط ۳ الف الف ۱.

۴. سیاست، ش ۱۵۷، ۱۳۲۱/۶/۱۰؛ کوشش، ش ۱۹۲، ۱۳۲۱/۶/۱۱.

۵. اطلاعات، ش ۵۰۴۳، ۱۳۲۱/۸/۱۳.

۶. کیهان، ش ۸۳۴، ۱۳۲۱/۶/۷.

ایران نیز در ۱۳۲۱/۶/۸ با تیتیر «ازدحام در قزوین» می‌نویسد: «از قرار اطلاع واصله از قزوین به واسطه‌ی کمبود گندم، اهالی اغتشاش برپا نموده‌اند و انبار و دو کامیون گندم صادقیان را غارت می‌نمایند اغتشاش و عدم آرامش تا دیروز صبح ادامه داشته است»^۱. از دیگر تبعات منفی کمبود نان و تعطیلی نانوائی‌ها، گسترش فقر و گرسنگی در قزوین و روستاهای آن بود، به طوری که روزنامه‌ی اطلاعات، گزارش می‌دهد، عده‌ی کثیری از مردم به علت نبود نان به وسیله‌ی میوه سد جوع می‌کردند.^۲ در گزارش تأمل برانگیز دیگری چنین نقل می‌کند: «موقعی که نان فراوان بود هزاران نفر بر اثر نداشتن پول و درآمد، گرسنه بودند، حالا که چند وقتی است که در نانوائی‌ها ازدحام عجیبی مشاهده می‌شود دیگر وضع زندگی مردم مشخص است. از وقتی که فروش گندم به شهر مسدود شده است یک چهارم مردم قزوین، شب‌ها را گرسنه به سر می‌برند»^۳ و در گزارش دیگری که نشانگر عمق فاجعه‌ی بحران نان در این شهر است با اشاره به وضع معیشتی وخیم قزوین و دهستان‌هایش، با تیتیر «لزوم کمک با کمیته اعانه» می‌نویسد: «وضع زندگی مردم به ویژه طبقه‌ی سوم بی‌اندازه دشوار و سخت می‌باشد. مستمندان از دهستان‌ها به شهر آمده و خود مردم هم در زحمت هستند. نان کیلویی شش ریال برای اهالی تمام می‌شود و اغلب هم به دست نمی‌آید عده‌ی زیادی شب‌ها گرسنه به سر می‌برند. بر ثروتمندان است که به کمیته‌ی اعانه که تشکیل گردیده و مورد اطمینان همه‌ی اهالی می‌باشد کمک و مساعدت کنند تا این که کمیته بتواند با تشکیلات وسیع‌تری از عائله‌های آبرومند نگاهداری و دستگیری نماید»^۴. روزنامه‌ی ایران نیز با درج تلگراف عده‌ای از مالکین و زارعین شهر، در شکایت از فرمانداری قزوین با تیتیر «تلگراف از قزوین» در ۱۳۲۱/۷/۱۷، می‌نویسد: «عده‌ای مالکین و زارعین شهر از رفتار فرمانداری و مأموران آن، به علت کمبود گندم و نان شهر گله‌مند هستند و اعتقاد دارند با وجود حمل مازاد گندم آنها به انبارهای ذخیره، هنوز نتوانسته‌اند مشکل بحران نان این شهر را حل کنند و نان غیر ماکول به اهالی می‌دهند و اهالی گرسنه هستند»^۵، بنابراین به خاطر تعطیلی نانوائی‌ها و به تبع آن گسترش ناامنی و

۱. صدای ایران، ش ۱۴۰، ۱۳۲۱/۶/۸.

۲. همان.

۳. همان، ش ۵۰۲۸، ۱۳۲۱/۸/۸.

۴. همان، ش ۵۰۴۹، ۱۳۲۱/۸/۱۹.

۵. ایران، ش ۷۰۱۳، ۱۳۲۱/۷/۱۷.

گرسنگی، عده‌ای از اهالی شکواییه‌ای را بدین شرح به وزارت کشور نوشتند: «در اثر نبودن آرد و خودداری وزارت اقتصاد از تحویل مقداری موجودی گندم به نانوایان نایاب و دکاکین نانوایی بسته شده است و اهالی گرسنه از شب گذشته شروع به شرارت و غارت بازار و دکاکین نموده‌اند که همچنان ادامه دارد، از این رو امنیت جانی و مالی اهالی سلب شده و برای رفع تعطیلی عمومی و خسارات وخیم و خطرناک، استدعای بذل توجه فوری و تأمین نان اهالی و استقرار امنیت را داریم».^۱

نقش نانوایان در تشدید بحران نان

با توجه به این که اکثر شهرهای ایران در ۱۳۲۱ از کمبود گندم و بحران نان رنج می‌بردند، ایران از آمریکا و انگلستان تقاضای گندم کرد و آنها نیز به وعده‌ی خود عمل کرده و گندم وعده شده را در اوایل ۱۳۲۲ تحویل دولت ایران دادند.^۲ اتحاد جماهیر شوروی هم برای این که از رقبای خود عقب نماند، در تابستان آن سال حدود ۲۵۰۰۰ تن گندم که قبلاً وعده داده بود به ایران کمک کرد.^۳ علاوه بر این، وزارت کشاورزی هم بنا به شکایات مردم قزوین از کمبود گندم و گرانی نان دستور داد گندم مورد احتیاج آنها تأمین شود.^۴ این امر تا حدی موجب برطرف شدن کمبود گندم شد و قیمت آن کمی تنزل کرد. با وجود این امر، برخی از نانوایان سودجوی قزوین، هنوز در این سال نان را به نرخ گرانی به دست مردم می‌رساندند. اطلاعات در ۱۳۲۲/۳/۲، در این زمینه با تیتیر «رفتار نانوایان در قزوین» می‌نویسد: «با وجودی که در اثر برخی مساعدت‌ها، بهای گندم و جو تنزل یافته و شهرداری اقدام کرده که نانوایان گرانفروشی نکنند با وجود این نانوایان گندم را خرواری دو هزار ریال و جو را هزار و دویست ریال خریده و نان آن را کیلویی ده الی دوازده ریال می‌فروشد»^۵ هم‌چنین این روزنامه در ۲۹ تیر همان سال می‌نویسد: «نانوایان در قزوین با وجودی که در نرخ گندم فوق‌العاده تنزل یافته است. باز هم نان را گران می‌فروشند، چنانچه به تفاوت از کیلویی هشت تا ده ریال می‌فروشند».^۶ به‌رغم تلاش‌های هیئت بازرسی

۱. آرشیو کتابخانه‌ی موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، سند شماره‌ی ثبت: ۶۶۰۰۵۰، ۱۳۲۱/۶/۷.

۲. *ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم*، ص ۱۳۶.

۳. ناهید، ش ۴، ۱۳۲۲/۵/۵.

۴. آرشیو کتابخانه‌ی موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، سند شماره‌ی ثبت: ۶۶۰۰۵۰، ۱۳۲۱/۷/۱۸.

۵. اطلاعات، ش ۵۱۷۷، ۱۳۲۲/۳/۲.

۶. همان، ش ۵۲۰۴، ۱۳۲۲/۴/۲۹.

دارایی این شهر برای تنزل قیمت گندم، گرانفروشی نانوایان به خصوص نانوائی‌های آزاد تا آبان ماه ۱۳۲۲ ادامه داشت؛ اطلاعات در این تاریخ می‌نویسد: «به همان نسبت که در بازار آزاد بهاء گندم ترقی می‌کرد نانوائی‌های آزاد خودسرانه به بهاء فروش نان اضافه می‌کردند».^۱

علاوه بر گرانفروشی، بیشتر نانوائی‌ها به رغم داشتن سهمیه‌ی گندم، به عذر این که آسیا نیست از سیزده دکان نان، سه یا چهار دکان را تعطیل کردند و بقیه هم روزی بیش از سه یا چهار ساعت پخت نمی‌کردند. در نتیجه‌ی این امر، ازدحام عجیبی مقابل نانوائی‌ها ایجاد شد و مردم بینوا و درمانده‌ی این شهر بی‌نان ماندند.^۲ نانوائی‌ها، رفتار ناشایست دیگری هم داشتند، که به نوبه‌ی خود از کمرنگ شدن بحران نان جلوگیری می‌کرد. چنانچه، به‌رغم تحویل آردهای با کیفیت از سوی اداره‌ی خواربار، آنها مواد دیگری در خمیر برای پخت نان کوپنی که در ادامه درباره آن بحث خواهد شد مخلوط می‌کردند. در نتیجه نان بسیار بی کیفیت تحویل مردم می‌دادند، و آنان از این امر گله داشتند.^۳

راهکار دولت برای کنترل بحران نان در قزوین و نتایج آن

به‌طوری که ذکر شد دولت در اوایل ۱۳۲۲ برای حل بحران نان مقداری گندم از کشورهای متفقین وارد کرد. علاوه بر آن، راهکارهایی نیز برای کنترل بحران نان به شرح ذیل تدارک دیده شد که در مجموع مشکل نان از اواسط ۱۳۲۲ حل شد.

الف - جیره‌بندی و ارائه‌ی کوپن نان

در بحبوحه‌ی بلوای نان در کشور، دولت برای جلوگیری از ازدحام مردم و رفع کمبود نان، اقدام به پخت نوعی نان ماشینی به نام «سیلو» کرد، تا مقداری از کمبود نان را جبران کرده، و آن را به‌طور مساوی بین مردم تقسیم کند.^۴ برای این کار مستشارانی از آمریکا که متخصص در جیره‌بندی و امور خواربار بودند به ایران دعوت کرد، که یکی از آنها «شریدن» بود.^۵ اطلاعات در این زمینه با تیتیر «جیره‌بندی نان» توضیح می‌دهد: «یکی از

۱. همان، ش ۵۳۱۱، ۱۳۲۲/۸/۸.

۲. همان، ش ۵۲۷۱، ۱۳۲۲/۶/۳۱.

۳. همان، ش ۵۲۱۸، ۱۳۲۲/۵/۳۰.

۴. ایران، ش ۷۰۱۹، ۱۳۲۱/۷/۲۶.

۵. همان، ش ۷۰۰۶، ۱۳۲۱/۷/۵.

بحران نان در قزوین بعد از شهریور ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۳ ۱۳

مسائلی که این روزها مورد شور و مذاکره است و به زودی به مرحله‌ی عمل و اجراء در خواهد آمد مسئله‌ی جیره‌بندی نان است. اگر این کار با اسلوب صحیح انجام گیرد و نان‌پزی سیلو به کار بیفتد امید می‌رود که مردم به آسانی و راحتی نان خود را به دست بیاورند و از اجحاف و تعدی نانوایان نیز جلوگیری مؤثر و قطعی به عمل بیاید. جیره‌بندی نان مخصوص توده‌ی مردم و اشخاصی است که استطاعت ندارند و به آنها کوپن نان داده خواهد شد و به اشخاص توانگر کوپن نان^۱ داده نمی‌شود.^۲ با وجود توزیع کوپن نان به‌طور مرتب،^۳ این طرح نیز نتوانست به‌طور کامل مشکل نان را حل کند، زیرا از آنجایی که به خمیر نان کوپنی مواد دیگری اضافه می‌کردند، کیفیت این نان بسیار نامرغوب بود.^۴ البته گذشته از نامرغوبی و خرابی آن، به قدری خمیر بود که هر کسی می‌خورد فوراً مبتلا به دل درد می‌شد حتی افراد فقیر هم تا جایی که امکان داشت از مصرف آن امتناع می‌کردند. این مسئله باعث نارضایتی اهالی شده بود و حتی کوشش‌هایی که از طرف اداره‌ی دارایی و هیأت بازرسی اداره‌ی دارایی برای بهبود آن به عمل آمد بی‌نتیجه بود، اطلاعات در ۱۳۲۲/۸/۲ با مقصر دانستن نانوایان در خرابی نان‌های کوپنی، اشاره می‌کند: «اداره‌ی دارایی جز آرد گندم و جو مواد دیگری به نانوایان نمی‌دهد، با این حال نان، خراب و ناجنس است و با اینکه آردی که اداره‌ی خواربار به نانوایان تحویل می‌دهد یک رقم است و باید نان آن هم در همه جا یک رقم باشد با این حال نان یک دکان بهتر است و نان دکان‌های دیگر خراب و ناجنس و خمیر است و... یک فرد به نام اکبر ساریان که خدمات ارزنده‌ای نسبت به فقراء انجام داده، قبول کرده است که مسئولیت رسیدگی به نان‌های کوپنی را به عهده بگیرد، تا از تقلبات نانوایان جلوگیری کند».^۵

با وجود این، نان‌های کوپنی در قزوین، هنوز تا دی ماه ۱۳۲۲ بسیار بی‌کیفیت بود و باز هم کوشش‌های به عمل آمده برای بهبود کیفیت آن بی‌نتیجه مانده بود و فقط از تاریخ

۱. کوپن‌های نان که از طرف وزارت خواربار تهیه شده بود هر یک برگ آن دارای ۳۱ شماره برای مدت یکماه و هر شماره‌ی آن جهت دریافت نان روزانه‌ی یک نفر تخصیص داده شده بود و دارای یک روز اعتبار بود. سعادت بشر، ش ۱۳۶، ۱۳۲۱/۷/۲۶.
۲. اطلاعات، ش ۵۰۰۳، ۱۳۲۱/۶/۳۰.
۳. اخبار روز، ش ۱۳، ۱۳۲۱/۱۰/۲.
۴. تاریخ بیست ساله‌ی ایران، ج ۸، ص ۲۶۸.
۵. اطلاعات، ش ۵۳۰۴، ۱۳۲۲/۸/۲.

یاد شده کیفیت این نان‌ها بهتر شد. چنانچه اطلاعات در ۱۷ دی ماه ۱۳۲۲ با تیتیر «جنس نان‌های دولتی در قزوین بهتر شده است» می‌نویسد: «در این چند ماه اخیر که هر نوع اقدامات و کوششی که از طرف اداره‌ی خواربار برای مرغوب کردن جنس نان‌های دولتی شد، بی‌نتیجه ماند تا این که اخیراً آقای شمس، کفیل اداره‌ی خواربار، تصمیم گرفتند علل حقیقی آن را کشف کنند و پس از چند روز که تمام اوقات خود را صرف رسیدگی آن کردند، چندی‌ست نان‌های کوپنی خوب و فراوان شده است.»^۱ البته بهبود کیفیت نان‌های کوپنی از تاریخ یاد شده، به علت شکایت مستمر مردم به فرمانداری و مسئولین رده‌ی بالای کشور صورت گرفت، چنانچه بر پایه‌ی شکایات مردم از وضعیت نان‌های کوپنی، رئیس هیأت بازرسی دارایی در سوم مهر ۱۳۲۲ وارد قزوین شد و توانست چندین فقره از تقلبات نانوبایی‌ها را کشف کند.^۲

ب - جلوگیری از احتکار

دولت در بحبوه‌ی بحران نان در کشور، در ۱۳۲۱، از همان ابتدا سعی کرد برای جلوگیری از احتکار گندم و به منظور کنترل بحران نان، جلوی احتکار و گران فروشی گندم را بگیرد، به همین علت جلساتی در مجلس با حضور کمیسیون بازرگانی و وزارت دادگستری برای «جلوگیری از احتکار» ترتیب داده شد،^۳ و به تبع آن آئین‌نامه‌هایی در سطح کشور در رابطه با خرید و فروش و مصرف غله و نان منتشر شد. مفاد یکی از آئین‌نامه‌ها که درباره انحصار فروش گندم توسط دولت بود و در روز چهارشنبه ۲۲ مهر ماه ۱۳۲۱ از طرف وزارت خواربار منتشر شد، بدین شرح می‌باشد. ۱- دولت مصمم است که قانون جلوگیری از احتکار را دقیقاً و شدیداً به مورد اجرا گذارد و هر نوع معامله در مورد گندم اکیدا ممنوع می‌باشد، مگر به وسیله‌ی وزارت خواربار. ۲- دولت در نظر دارد به علت بدی وضعیت و عدم توانایی مردم فقیر، بهای نان مردم از ۱،۲۰ ریال آن تجاوز نکند. ۳- برای این‌که دولت بتواند موجودی گندم را تحت اختیار بگیرد حمل گندم و آرد از معابر عمومی شهرستان‌ها ممنوع خواهد بود.^۴

۱. همان، ش ۵۳۶۴، ۱۷/۹/۱۳۲۲.

۲. همان، ش ۵۲۷۹، ۳/۷/۱۳۲۲.

۳. سعادت بشر، ش ۴۱، ۳۱/۲/۱۳۲۱؛ سیاست، ش: ۱۲۵، ۳۰/۴/۱۳۲۱.

۴. ایران، ش ۷۰۱۶، ۲۲/۷/۱۳۲۱.

مفاد آئین‌نامه‌ی دیگری که نسبت به مفاد آئین‌نامه‌های دیگر تکمیل‌تر بود با موضوع، «جمع‌آوری محصول غله، برای تأمین نان به مقدار کافی و توزیع عادلانه‌ی آن بین اهالی کل کشور»، در ۹ اردیبهشت ۱۳۲۳ بدین شرح منتشر شد: ۱- گندم و جو و آرد گندم موجود در کشور در انحصار دولت خواهد بود و خرید و فروش اجناس مزبور ممنوع و منحصر به قسمت غله و نان است به جز مواردی که موافقت قبلی و اجازه‌ی کتبی قسمت نامبرده کسب شده باشد. ۲- بهای گندم در هر حوزه‌ای، از طرف قسمت غله و نان با موافقت قبلی رئیس کل دارایی، تعیین خواهد شد. ۳- بهای جو در هر حوزه‌ای معادل دو ثلث بهای گندم آن حوزه خواهد بود.^۱ بنابراین انتشار آئین‌نامه‌های غله و نان با مفاد مختلف، یکی از راه‌های اندیشیده شده برای کنترل بحران نان در قزوین و شهرهای بحران زده بود.

ج - گندم اعطائی

راه‌کار دیگری که برای کنترل بحران نان اندیشیده شده بود، اصلاح بذر گندم، از طریق پخش گندم اعطائی از سوی اداره‌ی کل کشاورزی به کشاورزان بود، اطلاعات در این زمینه گزارش می‌دهد: «این گندم که نمونه‌ی آن از استرالیا و هندوستان آورده شده بود بسیار زودرس بود و دارای دانه‌ای کشیده و قرمز بود و خمیر آن بر قوت نان می‌افزود، در نتیجه نان خوش خوراک از آن به دست می‌آمد، و از آن گذشته، خاصیت‌های دیگر که این گندم داشت، یکی این بود که به کشاورزان اجازه می‌داد محصول را در سال به دو برابر ترقی نمایند، و این که با کاشت این گندم، آفت سن نیز از زمین‌های کشاورزی رخت برمی‌بست».^۲ با توجه به خاصیت‌های ویژه‌ی این گندم، کاشت آن در سراسر کشور انجام شد و محصول پربراری برای کشاورزان به وجود آورد. چنانچه اطلاعات در چهارشنبه ۱۸ مرداد ماه ۱۳۲۳، می‌نویسد: «اصلاح بذر انواع محصولات کشاورزی، به خصوص گندم در نقاط مختلف کشور مطابق آب و هوای هر ناحیه نتایج سودمندی آورده، بطوری‌که علاوه بر پربراری محصول گندم، ساقه‌ی این گندم هم، قرب سی سانتیمتر از سایر گندم‌ها بلندتر شده است».^۳

۱. اطلاعات، ش ۵۴۵۲، ۱۳۲۳/۲/۹.

۲. همان، ش ۵۴۵۰، ۱۳۲۳/۲/۷.

۳. همان، ش ۵۴۹۰، ۱۳۲۳/۵/۱۸.

بنابراین با توجه به راهکارهای اندیشیده شده در سالهای ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳، برای افزایش محصولات کشاورزی به خصوص گندم، به منظور کنترل بحران نان، از قبیل واردات گندم از خارج، جیره‌بندی نان، منتشر کردن آئین‌نامه‌های غله و نان برای جلوگیری از احتکار گندم، اصلاح بذر گندم، و از همه مهم‌تر، تلاش و شکایات مردم از کمبود و گرانی نان و در ادامه، تلاش‌های مسئولین از قبیل فرمانداری و شهرداری برای کنترل بحران نان از طریق تعیین قیمت مناسب برای آن، گزارش‌ها حاکی از تنزل قیمت نان در قزوین، از اواسط ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳، بعد از سال بحرانی ۱۳۲۱ است. عملاً کمبود گندم و بحران نان از اواخر سال ۱۳۲۲، به تدریج از سطح شهر قزوین رخت بست و در نهایت در ۱۳۲۳ به طور کلی بحران نان پایان یافت. چنانچه روزنامه‌ی اطلاعات در گزارش‌های متفاوت به این امر اشاره کرده است. این روزنامه در ۱۳۲۲/۸/۱۴ با تیتر «تنزل کالاها در قزوین» می‌نویسد: «در این چند روزه گندم و سایر کالاها تنزل کرده است و قریب دو ساعت نیز باران باریده است.»^۱ و در گزارش مشابه دیگری که در ۱۳۲۲/۱۰/۱۰ منتشر کرده است، باز هم به رضایت مردم شهر قزوین از تنزل قیمت نان که به همت و تلاش‌های کفیل فرمانداری این شهر در تعیین قیمت‌ها برای رفاه حال مردم صورت گرفته بود، اشاره می‌کند.^۲ و نیز گزارش ۱۳۲۳/۷/۲۹ اطلاعات، از بهای نان در قزوین، حاکی از آن است که قیمت نان باز هم در این سال نسبت به سال قبلی، تنزل پیدا کرده است. اطلاعات در این زمینه گزارش می‌دهد که «از امروز طبق آگهی که از طرف آقای فرماندار و انجمن شهرداری منتشر شده است، بهای نان سنگگ از سه کیلو ۱۲،۷۰، به سه کیلو ۱۰،۴۰ ریال، و نان لواش از سه کیلو ۱۴،۸۰، به سه کیلو ۱۲ ریال تنزل داده شده است و شب گذشته مجدداً تقریباً یک ساعت باران باریده است.»^۳ با فراوانی محصولات کشاورزی و فراوانی نان، نان‌های کوپنی نیز به تدریج از رده خارج شد. اطلاعات با تیتر «کوپن نان» در این زمینه گزارش می‌دهد که «یکی از مسائلی که در قسمت نان باید مورد توجه قرار بگیرد موضوع کوپن نان است. به عقیده‌ی ما با تجاربی که در این مدت به دست آورده‌ایم مخصوصاً با فراوانی محصول، مصلحت در این است که اصلاً کوپن نان از بین برود. زیرا منظور از کوپن این است که سهم نان هر کس در روز معین باشد.»^۴

۱. همان، ش ۵۲۱۷، ۱۳۲۲/۸/۱۴.

۲. همان، ش ۵۳۵۹، ۱۳۲۲/۱۱/۱۰.

۳. همان.

۴. همان، ش ۵۳۵۶، ۱۳۲۲/۱۱/۵۳۵۶.

نتیجه

وقوع بحران نان در قزوین، معلول علت‌هایی بود که یک مورد آن به ورود و اسکان متفقین، به خصوص نیروهای اتحاد جماهیر شوروی به این شهر بر می‌گشت. آن‌ها از یک سو با مشارکت در استفاده و مصرف ارزاق عمومی مانند نان، و از سوی دیگر با صدور بخشی از گندم این شهر به کشور متبوع خود زمینه‌ی کمبود نان را در این شهر به وجود آوردند. عامل دیگر که سبب شکل‌گیری بحران نان در این شهر شد، با فعالیت محتکرین گندم رابطه داشت، به طوری که آن‌ها گندم و خواربار مورد نیاز شهر را به خارج صادر می‌کردند. در نتیجه اهالی با کمبود ارزاق روبرو شده و در نهایت کمبود بارندگی و کمی آب شهر نیز در بروز بحران تأثیر داشت.

با لحاظ چنین پیش‌زمینه‌هایی، اولین نشانه‌های بحران نان با کمبود گندم و گران شدن آن از اوایل ۱۳۲۱ شروع، و در اواسط این سال به اوج خود رسید و مردم به شدت فقیر شدند که حتی یک تکه نان برای رفع گرسنگی پیدا نمی‌کردند. بروز چنین وضعیتی، تبعات منفی در سطح شهر به وجود آورد. عده‌ای از مردم با اعتراضات خود به کامیون‌های حامل آرد و خواربار حمله کرده و با نیروهای امنیتی درگیر می‌شدند. دولت برای کنترل بحران نان، به عرضه‌ی نان‌های کوپنی بین مردم پرداخت، اما نان‌های کوپنی هم به علت اضافه کردن برخی مواد غیر خوراکی به خمیر آن از سوی نانوایان، از کیفیت مطلوبی برخوردار نبود. در نهایت مردم با شکایت مستمر خود به ادارات خواربار و فرمانداری‌ها توانستند بعد از طی مدتی با کشف کردن تقلبات برخی از نانوایان کیفیت نان‌های کوپنی را مطلوب‌تر کنند، علاوه بر تلاش‌های مردم و مسئولین برای پایان بخشیدن به بحران نان، راهکارهای اندیشیده شده برای کنترل بحران نان در سطح کشور، مانند آئین‌نامه‌های غله و نان برای جلوگیری از احتکار گندم و نیز اصلاح بذر گندم توانست با وفور محصولات کشاورزی به خصوص گندم، بحران نان را کنترل کند. در نتیجه، از اواخر سال ۱۳۲۲، قیمت نان در شهر قزوین تنزل پیدا کرد و نان‌های کوپنی کم کم از رده خارج شد.

فهرست منابع و مآخذ

کتاب‌های فارسی:

- جمعی از نویسندگان، (۱۳۷۱)، *گذشته چراغ راه آینده است*، تهران: نیلوفر.
- ذوقی، ایرج، (۱۳۶۸)، *ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم*، تهران: باژنگ.
- سعیدی فیروزآبادی، (۱۳۸۳)، *خاطرات*، به کوشش محمدحسن میرحسینی، یزد: دانشگاه یزد.
- شوکت، حمید، (۱۳۸۶)، *در تیررس حادثه زندگی سیاسی قوام‌السلطنه*، تهران: اختران.
- کیانوری، نورالدین، (۱۳۷۲)، *خاطرات*، تهران: دیدگاه.
- مسعود انصاری، عبدالحسین، (۱۳۷۴)، *خاطرات سیاسی و اجتماعی*، تهران: علمی.
- مکی، حسین، (۱۳۷۴)، *تاریخ بیست ساله‌ی ایران*، تهران: علمی و فرهنگی.
- نجاتی، غلامرضا، (۱۳۷۸)، *مصدق سال‌های مبارزه و مقاومت*، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

نشریات:

- اخبار روز، ش ۱۳، ۱۳۲۱/۱۰/۲.
- روزنامه‌ی اطلاعات، ش ۴۶۲۱.۷/۵/۱۳۲۰.
- _____، ش ۴۷۲۲، ۱۳۲۰/۹/۸.
- _____، ش ۴۹۸، ۱۳۲۱/۶/۷.
- _____، ش ۴۹۸۴، ۱۳۲۱/۶/۱۱.
- _____، ش ۵۰۴۳، ۱۳۲۱/۸/۱۳.
- _____، ش ۵۲۱۷، ۱۳۲۲/۸/۱۴.
- _____، ش ۵۳۵۹، ۱۳۲۲/۱۱/۱۰.
- _____، ش ۵۳۵۶.۶/۱۱/۱۳۲۲.
- _____، ش ۵۴۵۲، ۱۳۲۳/۲/۹.
- _____، ش ۵۴۵۰، ۱۳۲۳/۲/۷.
- _____، ش ۵۴۹۰، ۱۳۲۳/۵/۱۸.
- روزنامه‌ی ایران، ش ۷۰۳۴، ۱۳۲۱/۸/۱۴.
- _____، ش ۷۰۳۵، ۱۳۲۱/۸/۱۵.
- _____، ش ۷۰۱۳، ۱۳۲۱/۷/۱۷.
- داد، ش ۲۹، ۱۳۲۱/۸/۲۴.
- سعادت بشر، ش ۹۶.۸/۶/۱۳۲۱.
- _____، ش ۱۳۶، ۱۳۲۱/۷/۲۶.
- سیاست، ش ۱۲۸، ۱۳۲۱/۴/۲.
- _____، ش ۱۵۷، ۱۳۲۱/۶/۱۰.
- _____، ش ۱۲۵، ۱۳۲۱/۴/۳۰.

بحران نان در قزوین بعد از شهریور ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۳ ۱۹

- صدای ایران، ش ۱۴۰، ۱۳۲۱/۶/۸
- کوشش، ش ۱۹۲، ۱۳۲۱/۶/۱۱
- کیهان، ش ۸۳۴، ۱۳۲۱/۶/۷
- ناهید، ش ۴، ۱۳۲۲/۵/۵
- نسیم شمال، ش ۲۶، ۱۳۲۱/۸/۲

اسناد:

گنجینه سازمان اسناد ملی ایران

- سند شماره ردیف ۲۴۰۰۰۰۹۹۳، محل در آرشیو ۳۰۳ ب ۱۱۱۲۰
- سند شماره ردیف ۲۹۱۰۰۱۷۷۲، محل در آرشیو ۶۰۸ ط ۱ ج ۱
- سند شماره ردیف ۲۴۰۰۱۰۹۱۷، محل در آرشیو ۴۰۵ ط ۳ الف ۱
- آرشیو کتابخانه‌ی موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
- سند شماره‌ی ثبت: ۶۶۰۰۵۰



کتابخانه ملی ایران

شماره کتاب: ۱۱۲۲
تاریخ: ۲۱/۹/۸۱
سال: ۱۳۶۲

تلفون: ۲۱۰۵۱۴

از	به	شماره	تلفون	عدد کلمات	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول	
							روز	ماه
۱۱	۱۲	۱۱۲۲	۲۱۰۵۱۴	۱۳۶۲	۲۱/۹/۸۱		۶	۷

فصل اول از تاریخ خوزستان در روز یکم کنگر سوادکوه روز یکم است
 در تاریخ روز یکم خوزستان در روز یکم کنگر سوادکوه روز یکم است
 در تاریخ روز یکم خوزستان در روز یکم کنگر سوادکوه روز یکم است
 کنگر سوادکوه در تاریخ روز یکم کنگر سوادکوه روز یکم است
 از اول خوزستان در تاریخ روز یکم کنگر سوادکوه روز یکم است
 فصل دوم از تاریخ خوزستان در تاریخ روز یکم کنگر سوادکوه روز یکم است
 فصل سوم از تاریخ خوزستان در تاریخ روز یکم کنگر سوادکوه روز یکم است
 فصل چهارم از تاریخ خوزستان در تاریخ روز یکم کنگر سوادکوه روز یکم است
 فصل پنجم از تاریخ خوزستان در تاریخ روز یکم کنگر سوادکوه روز یکم است
 فصل ششم از تاریخ خوزستان در تاریخ روز یکم کنگر سوادکوه روز یکم است
 فصل هفتم از تاریخ خوزستان در تاریخ روز یکم کنگر سوادکوه روز یکم است
 فصل هشتم از تاریخ خوزستان در تاریخ روز یکم کنگر سوادکوه روز یکم است
 فصل نهم از تاریخ خوزستان در تاریخ روز یکم کنگر سوادکوه روز یکم است
 فصل دهم از تاریخ خوزستان در تاریخ روز یکم کنگر سوادکوه روز یکم است

بهران نان در قزوین بعد از شهریور ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۳ ۲۱

شماره کتاب ۱۳۸۱۱۴۰۹

شماره ۲۱ / ۹۳۲

ساله ۹۳۲

تلفگراف

از به	۲	۹	توضیحات	تاریخ وصول روز / ماه	عدد کلمات تاریخ اصل	۸۶۰۳	۲۰۱	۱۱۵	۹
	ط								

ریاست املاک و آگاهی رو نوشت وزارت خوار بار رو نوشت وزارت کشاورزی رو نوشت

مجلس شورای ملی بطوریکه کلمه بوسای محل اطلاع دارند بواسطه خشک سالی

وند اشتن آب محصول تابستان باند از بهر عمل نیانده ده هزار نفر رعیت گرسنه

و پریشان باینکه حاضر شده ایم هرچه داریم بفروشیم و بذر مورد احتیاج را

شخصا از محل خسته خریداری نمائیم معینا اولیای امور از دادن جواز پانصد

تن قله تا بحال خود داری فرموده اند هرگاه بفوریت برای صدور جواز اقدام

نموده فرمائید تاچار به کماحت اطراف شورای و از رعیت صرف نظر خواهیم کرد

علی ظاهری عیسی ظاهری علی رضانی حسن رحمانی حسین اقا کدخدا

عیسی احمد مشهدی میزبان کدخدا

مردار محمد باقر کدخدا

۱۳۸۱۱۴۰۹

۱۳۸۱۱۴۰۹

۱۳۸۱۱۴۰۹



تاریخ ۱۳۳۸/۷/۲۶
شماره ۴۸۰۴۵/۱۸۹۳۷
پوست

وزارت کشور
اداره انتظامات
دایره

۱۳۳۸/۷/۲۶

ریاست مجلس شورای ملی

معطوفاً بنامه شماره ۱۱۴۰۹-۲۱/۷/۱۳۳۸ راجع به شکایت -
تلگرافی اهالی قزوین با ستحضار عالی میرساند که در همان موقع برای
حفظ انتظامات و استقرار امنیت فرمانداری انجام ستور لایم صادر
واقدمات بعمل آمده است.

وزیر کشور

کلی

در روز ۲۱/۷/۳۸
شماره ۱۲۹۷۸
ساله ۲۱/۷/۳۸

کتابخانه و مطابقت فریبی
جامع علوم انسانی
۲۱/۷/۳۸
۹۳

بهران نان در قزوین بعد از شهریور ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۳ ۲۳



تاریخ ۱۳۲۱/۸/۲۸

شماره ۲۵۴۵۴/۱۰۱۰۰۱۸

وزارت کشاورزی

۲۱/۹/۱

ریاست مجلس شورای ملی

یا سنخ نامه شماره ۱۲۵۴۱ مورخ ۲۱/۷/۲۹ تصدیق

میدهد

بمراوردن تلگراف شماره ۲۰۱ مورخ ۲۱/۷/۲۹ از قزوین طی نامه شماره ۹۳۸۰ مورخ ۲۱/۷/۱۸ بان اداره کشاورزی شهرستان قزوین دستور داده شده باشد خاصیت کسر بسذر دارند طبق مقررات مربوطه گواهی بدهند تا بتوانند بسذر مورد احتیاج خود را از سایر مناطق تهیه و حمل نمایند رونوشت نامه مزبور نیز برای اطلاع شما کمان فرستاده شده است

وزیر کشاورزی

پروفسور کشاورزی و مطالعات انسانی

ورق درج شده در این سند
شماره ۱۳۰۹
تاریخ ۱۳۲۱/۹/۱

۲۱/۹/۱